

از گذارش رفیق ببرک کارمل منشی عمومی کمیته مرکزی ح.د.خ.ا و

رئیس شورای انقلابی ج.د.ا در پلینوم دوم کمیته مرکزی ح.د.خ.ا

۲۴ حمل ۱۳۵۹

رفقا و دوستان محترم،

بیروی سیاسی کمیته مرکزی ح.د.خ.ا، پلینوم حاضر کمیته مرکزی را به منظور بحث و تبادل نظر روی بعضی مسایل مربوط به نتایج رشد انقلاب ثور، نتایج فعالیت های تشکیلاتی و سازمانی حزب و ساختمان سیاسی جامعه ما دعوت نموده است. بیروی سیاسی کمیته مرکزی معتقد است که بحث پیرامون مسایل مربوط به انقلاب ثور و اتخاذ تصمیم لازم به روی این مسایل برای پیشرفت های آینده ما برای تحکیم هرچه بیشتر وحدت و همبستگی حزب ما بخاطر تأمین آرمانهای انقلابی خلق نجیب و آزاده افغانستان و خواسته های سیاسی نیرو های مترقی جامعه ما دارای اهمیت خاصی میباشد. انقلاب (۷) ثور ۱۳۵۷ که تحت رهبری ح.د.خ.ا بنا بر خواست و بر اساس اراده و پشتیبانی مردم و به کمک افسران و عساکر وطن پرست و دلیر اردوی با شهامت افغانستان به پیروزی رسید، نقطه بزرگ و نقطه چرخش عظیم در تاریخ پر افتخار وطن محبوب ما است.

انقلاب ثور اساس حاکمیت اشرافیت فیودالی جمهوری قلابی داود مستبد و بقایای سلطنت فیودالی و فرتوت سلسله نادری را دگرگون ساخت و شالوده حاکمیت سیاسی زحمتکشان افغانستان را با متحدین آن بنا نهاد.

طوریکه حزب ما در خطوط اساسی وظایف انقلابی حکومت جمهوری دموکراتیک افغانستان که تقریباً دو هفته بعد از پیروزی انقلاب نشر یافت خاطر نشان میساخت، انقلاب ثور از لحاظ ماهیت خود انقلاب ملی و دموکراتیک است. ازین لحاظ وظایف انقلابی آن عبارت از وظایف دموکراتیک عمومی ذیل میباشد :

محو و نابودی تمام بقایای فیودالی و ما قبل فیودالی در مناسبات اجتماعی و ملی، تحدید نصاب ملکیت ارضی مالکین بزرگ و توزیع زمین به دهقانان بی زمین، کم زمین و مزدوران زراعتی، رشد اقتصاد ملی، بالا بردن سطح زندگی مردم، بسط و توسعه معارف، لغو تدریجی بیسوادی، انکشاف کلتور ملی خلقهای ساکن افغانستان، حل دموکراتیک مساله ملی، دموکراتیزه ساختن زندگی اجتماعی و سیاسی در کشور و طرد نفوذ استعمار و امپریالیزم با تمام مظاهر آن.

از جانب دیگر در انقلاب ما که یک انقلاب عمیقاً ملی و ضد امپریالیستی میباشد، خصوصیات تاریخی تکامل جامعه ما، عقاید عمیق دینی مردم ما و عنعنات مختلف ملیت ها و قبایل متفاوت ساکن وطن ما انعکاس یافته است. باید متذکر شد که انجام موفقانه مسایل و وظایف سیاسی انقلاب ما بدون در

نظر داشت این خصوصیات، بدون مطالعه دقیق و نتیجه گیری علمی از آنها و بدون پیشبینی راه های پروسه بعدی تکامل آن به خاطر تأمین منافع همه افراد جامعه میسر نیست. انقلاب ملی دموکراتیک ثور برای تأمین و حصول اهداف خود حاکمیت سیاسی طراز نوینی را بوجود می آورد که پایه آنرا اتحاد کارگران و دهقانان با شرکت و پشتیبانی وسیع دیگر زحمتکشان و همه وطن پرستان واقعی کشور اعم از سربازان و افسران قوای مسلح انقلابی، روشنفکران، پیشه وران، کوچیان، روحانیون وطنپرست، تجار و سرمایه داران ملی تشکیل میدهد.

انقلاب ثور نتیجه طبعی و منطقی رشد شرایط عینی جامعه ماست. پیروزی آن تنها در نتیجه استفاده خردمندان و آگاهانه از قوانین مبارزه طبقاتی به وسیله نیروهای انقلابی جامعه تحت رهبری ح.د.خ.ا میسر شده است. چنانکه در بالا تذکر یافته است انقلاب ثور دارای خصلت ضد فیودالی و ضد امپریالیستی میباشد. از همین سبب عمده ترین وظایف آن عبارتند از حل و فصل عادلانه مساله ارضی به نفع دهقانان یعنی اکثریت نفوس جامعه و حفظ و تحکیم استقلال سیاسی و حاکمیت دولتی در شرایط مداخله امپریالیستی در امور داخلی کشور ما. خصلت ضد امپریالیستی انقلاب ما پاسخگوی عمیق ترین خواست های ملی تمام اقشار جامعه و تلاش آنها در راه بلند بردن سطح آگاهی ملی و رشد و اعتلای همه جانبه فرهنگ ملی میباشد.

موجودیت عوامل سیاسی بین المللی مثبت از قبیل تغییر تناسب قوا به نفع نیروهای ترقی اجتماعی، صلح و مصونیت بین المللی، تعمیق بحران امپریالیزم، از هم پاشیدن سیستم استعماری، ایجاد گروهی از دول جدید التاسیس در حال رشد و افزایش نقش آنها در عرصه سیاست بین المللی و موفقیت های تاریخی نیروی سوسیالیزم جهانی به پیروزی انقلاب ما مساعدت نمود. بدین ترتیب به حق میتوان گفت که انقلاب ثور جز لاینفک پروسه عظیم انقلابی عصر ما میباشد که با انقلاب کبیر اکتوبر آغاز یافته است. در دوران کنونی که مضمون عمده آنرا گذار از سرمایه داری به سوسیالیزم به پیمانۀ جهانی تشکیل میدهد، مبارزه در راه اجرای وظایف انقلاب ملی و دموکراتیک در شرایط مشخص افغانستان می تواند و باید از حیثه حصول اهداف دموکراتیک عام بیرون شده و به مبارزه در راه گذار به جامعه بدون طبقات مبدل گردد. این امر کاملاً به ایجاد شرایط و مقدمات لازم و در درجه اول مقدمات سیاسی و اقتصادی مربوط میباشد.

مهمترین مساله هر انقلاب عبارت از اینست که کدام نیروهای سیاسی و اجتماعی جامعه در رأس آن قرار گرفته است. در شرایط خاص ما این نیروها عبارتند از قشر های مترقی انقلابی دموکراتیک و پیشرو ترین نمایندگان جامعه افغانستان که ایدیولوژی طبقه کارگر را پذیرفته - اگر چه خود کارگر نبوده و منشأ کارگری ندارند. در شرایط شبیه به شرایط کشور ما ایجاد حزب انقلابی طراز نوین که بتواند رهبری جامعه و مسوولیت اجرای پیگیر وظایف انقلاب ملی و دموکراتیک و ساختمان جامعه فارغ از استثمار فرد از فرد را بدوش گیرد تنها در صورتی ممکن است که همچو همبستگی نیروهای

انقلابی جامعه تحقق پذیرد و نمایندگان پیشرو آن در موقف طبقاتی طبقه کارگر قرار گرفته و مجهز با ایدیولوژی طبقه کارگر و تیوری انقلابی علمی گردند.

اما بیائید و به وظایف سیاسی عصر کنونی مراجعت نماییم و این سوال را مطرح سازیم که یک حزب انقلابی مجهز با ایدیولوژی طبقه کارگر و تیوری انقلابی علمی در شرایط کشور دهقانی عقب مانده و نیمه فیودالی و قبیلوی چه نقشی را ایفا نموده می تواند؟ در اینجا باید توصیه های آتی وای.لنین را به انقلابیون شرق در مورد چنین احزاب بیاد آورد:

اینگونه احزاب باید در میان توده های دهقانی کار کنند و خصوصیات، ذهنیت ها و عنعنات، منجمله عنعنات دینی آنان را مد نظر گیرند. دهقانان شرق نمایندگان تیبیک توده های زحمتکش اند و احزاب مجهز با ایدیولوژی طبقه کارگر در چنین شرایط میتوانند در راس جنبش ملی کشور قرار گیرند، توده های دهقانان را آگاهی داده و برای تفکر و فعالیت مستقل سیاسی بیدار سازند. این امر بهترین ضامن پیروزی انقلاب در چنین کشورهاست. اینست توصیه های لنین به احزاب کشورهای دهقانی شرق.

حزب پر افتخار ما از همان آغاز پیدایش خود به مثابه حزب طبقه کارگر و تمام زحمتکشان افغانستان وظایف و اهداف والای سیاسی و کاملاً عملی را مطرح ساخت و می خواست با در نظر داشت خصوصیات جامعه ما اساسات عقب مانده آنرا تغییر دهد و تحولات ملی و دموکراتیک را عملی سازد. حزب ما هم در هنگام پیروزی انقلاب ثور و هم در حال حاضر نمی توانست و نمی تواند اعمار بلافاصله **سوسیالیزم** را وظیفه فوری خود بداند، زیرا در کشور عقب مانده زراعتی ما هنوز شرایط لازم برای این کار وجود ندارد.

طرح اجرای این وظیفه در شرایط فعلی معنی جهش از مرحله انقلاب را دارد که ممکن است در نتیجه آن حزب و انقلاب نه تنها تکیه گاه وسیع اجتماعی خود را از دست بدهند بلکه در تحقق وظایف انقلاب ملی و دموکراتیک نیز ناکام گردند. یا به عباره دیگر متحمل یک شکست سیاسی کامل شوند.

بر سر اقتدارآمدن گروه **امین** در نتیجه فعالیت وحدت شکنانه و دسیسه بازی چنین یک اشتباه فاجعه آمیز را در تاریخ حزب ما تشکیل میدهد. متأسفانه علی الرغم عزم و عقیده اکثریت اعضای ح.د.خ.ا اعم از هر دو جناح ح.د.خ.ا گروه **امین** با توسل به اختناق، قتل و کشتار توانست رشد اصولی در سمت دست آورد های واقعاً علمی انقلاب ثور و تحقق مشی سیاسی اصولی حزب پر افتخار ما را به سوی عدم اصولیت به طور موقت منحرف سازد. ما مشی اپورتونیستی و خرده بورژوایی و خاینانه **امین** و دار دسته اش را در وقت و زمان معین مورد انتقاد اصولی قرار خواهیم داد و منشأ پیدایش آنرا علماً ارزیابی و تحلیل خواهیم کرد. طوریکه حزب پر افتخار، واحد و هدفمند ما ازین تحلیل درس عبرت سیاسی گرفته، فعالیت ایدیولوژیک و تیوریک خود را در هر سویه و سطح رشد داد و اصولیت فکری و تشکیلاتی خود را تحکیم بخشید.

ولی ما امروز با کمال افتخار گفته می توانیم که حزب در دو سال بعد از انقلاب ثور صرف نظر از همه دشواری های که در راه آن بروز کرد با حفظ اصولیت سیاسی توانست از عهده مسوولیت خطیر خود بحیث نیروی رهبری کننده و تنظیم کننده جامعه افغانستان با کمال سربلندی بدر آید. کار های که در این دو سال به نفع زحمتکشان کشور ما عملی شده است دارای اهمیت به سزای می باشد. علی الرغم صدمات شدیدی که عاید پیکر حزب قهرمان ما شد و با وجود فساد و زوال گروپ اپورتونیستی و خاین **امین** که به اقتدار رسیده بود ح.د.خ.ا توانست از یک آزمون بزرگ آبدیده تر بیرون آید. اکنون در مرحله جدید انقلاب ثور همه شرایط لازم فراهم آمده است تا تمام فضای حسن اعتماد و اصولیت انقلابی در حزب کاملاً احیاء، وحدت ایدیولوژیک و تشکیلاتی صفوف آن تأمین و تقویه شده و همه اعضای پر افتخار و اصولی آن با وجدان شرافتمند در اطراف کمیته مرکزی حزب و بیروی سیاسی آن فشرده و یک پارچه گردند.

دو سالی که از پیروزی انقلاب ثور گذشته است به دو مرحله کاملاً مشخص تقسیم می شود، در آغاز مرحله اول جمهوری دموکراتیک افغانستان اعلام و شورای انقلابی و حکومت آن تشکیل گردید. در این وقت بنابر خواست مرامنامه ح.د.خ.ا و خطوط اساسی وظایف انقلابی ج.د.ا دگرگونی های مهم سیاسی، اجتماعی و اقتصادی مترقی اعلام و تطبیق آن آغاز گردید.

در ضمن تطبیق این پروگرام اقدامات عملی در ساحه تنزیل قیم بعضی مواد مورد ضرورت اولیه و تأمین بهتر آنها، استخدام فارغان بیکار مکاتب و لیسه ها و در ساحه ادامه تحصیل هزار ها شاگرد مکتب که رژیم مستبد **داود** آنرا ازین حق محروم ساخته بود، اتخاذ گردید، ملیونها دهقان در اثر فرمان شورای انقلابی از زیر فشار سود، سلم و گروهی رها گردیده و طرح اصلاحات ارضی ریخته شد، اعمار مکاتب و مساجد جدید آغاز و اولین گام ها در راه مبارزه با بیسوادی، این بلای دیرینه مردم ما، برداشته شد.

متاسفانه به زودی بعد از انقلاب ثور اشتباهات مختلف و انحرافات گوناگون از مشی اصولی

حزب رونما گردید. در بین علل این اشتباهات عوامل ذیل را می توان نام برد : عقب ماندگی افغانستان، عدم موجودیت طبقه کارگر مجرب و آزموده شده در نبرد های طبقاتی، بیسوادی تقریباً نود فیصد نفوس کشور، کمبود متخصصین و پرسونل مجرب رهبری در سطوح مختلف و مخصوصاً آنهائیکه به امر انقلاب وفادار باشند. از جانب دیگر ح.د.خ.ا در تنظیم امور دولتی، اقتصادی و فرهنگی هنوز تجربه کافی نداشت و اصل رهبری دسته جمعی و مرکزیت دموکراتیک نقض گردید که در نتیجه آن بعضی عواقب منفی چون اتخاذ تصامیم مهم بدون آمادگی قبلی لازم، ذهنیگرایی و فاصله بین گفتار و کردار و تیوری و پراکتیک بروز کرد. ناگفته نباید گذاشت که اعمال جنایتکارانه **امین** که با استفاده از دسایس و توطئه ها توانست به قدرت برسد ضرر عظیمی را به امر انقلاب و وحدت حزب وارد نمود. در این زمان عنعنات و رسوم مردم زحمتکش و عقاید دینی آنان پایمال می گردید.

دگرگونی های بس مهم از قبیل اصلاحات ارضی و مبارزه با بیسوادی با استفاده از شیوه ها و طرق غیر مجاز تطبیق می شد. در نتیجه محتویات مترقی این دگرگونی ها تحریف گردیده و قانونیت انقلابی بطور فاحش پامال شد. ده ها هزار انسان بیگناه بدون موجودیت حکم و موجه قانونی حبس و بازداشت و کشته میشدند. اعضای صادق و وفادار ح.د.خ.ا به قتل می رسیدند و ترور و اختناق عمومی اهالی کشور عملی می گردید.

علاوه بر آن استثمارگران و دیگر خائنین که در نتیجه انقلاب ثور قدرت و امتیازات خود را از دست داده بودند نیز آرام نه نشسته و در راه مبارزه با انقلاب ثور تلاش می ورزیدند. به زودی بعد از پیروزی انقلاب ثور این خائنین با اتکاء بر کمک های وسیع امپریالیزم، هژمونیست های چین و محافل ارتجاعی دیگر کشور های خارجی به تشکیل گروه های تروریستی و تخریبکار جهت قتل، کشتار و ارباب مردم بی گناه، افغانستان دست زدند. این خائنین به کمک حامیان خارجی خویش کارزار تبلیغاتی و دروغ بافی وسیعی را علیه آرمان ها و اهداف انقلاب ثور و ح.د.خ.ا به راه انداختند. متأسفانه یک تعداد انسانهای ساده لوح، غیر آگاه و بیسواد دستخوش این دروغ گوئی ها و یاهه سرائی های میان تهی محافل امپریالیستی و ارتجاعی گردیدند.

لیکن خوشبختانه همه این پلانهای شوم ارتجاع و امپریالیزم به غرض تخریب، انحراف و سرکوب کامل انقلاب ثور ناکام و نقش بر آب شد. به تاریخ (۶) جدی سال ۱۳۵۸ اکثریت وطنپرست و اصولی اعضای ح.د.خ.ا، اعضای شورای انقلابی و نظامیان افغانستان به تاسی از اراده و عزم راسخ خلق افغانستان برای نجات انقلاب ثور گروه جنایت کار **امین** را سرنگون نمودند و بدین ترتیب مرحله جدید یعنی مرحله دوم انقلاب ثور آغاز گردید.

در مرحله نوین تکامل انقلاب ثور که از طرف زحمتکشان ما به حق بنام (مرحله نجات انقلاب، وطن و مردم) مسمی گردیده است، کمیته مرکزی ح.د.خ.ا و حکومت ج.د.ا در عرصه سیاست داخلی و خارجی به تحقق آرمانهای واقعی مردم که مطابق به اهداف و وظایف انقلاب ملی و دموکراتیک است مبادرت ورزید. وظایف مذکور در "اصول اساسی موقت ج.د.ا" که اعضای محترم کمیته مرکزی از آن مطلع اند و من در قسمت آخر گزارش خود آنرا مورد تحلیل قرار خواهم داد، تشریح گردیده است.

برای اینکه تمام اعضای حزب و همه زحمتکشان آگاه وطن، موقف ملی ما را در مورد مهم ترین مسایل استراتیژی و تاکتیک حزب بهتر درک کنند باید بعضی از حوادث مهم تاریخ سیاسی ما با در نظر داشت تزه های کمیته مرکزی به مناسبت دومین سالگرد انقلاب ثور توضیح و تشریح گردد.

وظیفه انقلابی حزب ماست که قوانین عام انقلاب های اجتماعی را که در تیوری علمی انقلابی توضیح گردیده با شرایط خاص کشور انطباق دهد. **لنین** در آثار پر نبوغ خود به مسایل انقلابی خلقهای بیدار شونده توجه زیاد مبذول می داشت، مثلاً در بیانیه خود برای اشتراک کنندگان دومین کنگره سازمانهای کمونیستی خلق های شرق در این مورد چنین اظهار نظر می نماید: "وظایفی که اکنون

در برابر شما قرار دارد هیچگاه در برابر دیگر کمونیست های جهان مطرح نشده بود و آنها عبارتند از اینکه شما باید بتوانید تیوری و پراکتیک عام کمونیستی را با در نظر داشت شرایط خاص کشورهای خویش که در کشورهای اروپایی نظیری ندارد در شرایطی به کار ببندید که دهقانان اکثریت جامعه را تشکیل داده و هنوز باید با بقایای قرون وسطی مبارزه شود."

لنین با درک عمیق وظایف انقلابی عناصر پیشرو میاموخت که سیاست حزب کمونیست در مورد دین منجمله دین اسلام باید انعطاف پذیر باشد. **لنین** می گفت که هیچگاه نباید دین و مومنین توهین شوند و به عناصر پیشرو، صادق و وفادار که متدین باشند اجازه داده شده می تواند که عضویت حزبی خود را حفظ نمایند. لیکن **موقف لنین** در برابر دین همیشه اصولی بوده و هیچگاه اجازه نمی داد که طبقات استثمارگر، مرتجعین و امپریالیست ها دین را برای دفاع از منافع طبقاتی خود بکار برده و توده های مسلمان را گمراه و بخود جلب نمایند. **لنین** کمونست ها را متوجه می ساخت که آنان باید تکتیک مبارزه با سؤ استفاده از دین به منظور مقاصد غرض آلود و ضد مردمی را طرح و دائماً تکمیل بخشند.

دشمنان انقلاب ثور و عمال و اجنت های امپریالیزم بین المللی تلاش جنون آمیز می ورزند تا از **دین اسلام** بغرض تأمین مقاصد شوم و ضد مردمی خویش استفاده نمایند. حامیان دشمنان انقلاب ثور یعنی امپریالیست های ایالات متحده امریکا و متحدین رنگارنگ آنها می خواهند خود را بحیث حامیان اسلام و مردم مسلمان نیز جا بزنند. اما مسلمانان واقعی هیچگاه فراموش نمی کنند که این همان امپریالیست ها هستند که مردمان کشورهای شان را غارت و استثمار کرده، امر صلح را در شرق میانه به خطر انداخته، **اسرائیل** تجاوزکار را علیه **خلفهای عرب** تقویت نموده، در صدد تجاوز بر علیه **ایران** بوده و باند های مسلح ضد انقلابی را به **افغانستان** صادر می کنند.

همه کس باید بداند که **امپریالیزم دشمن** قسم خورده مردمان مسلمان شرق بوده و است در حالیکه **سوسیالیزم جهانی** دوست واقعی آنها می باشد.

لنین کبیر به کرات خاطر نشان می ساخت که «جنبش انقلابی خلفهای شرق تنها در رابطه مستقیم با مبارزه انقلابی جمهوری شوروی ما علیه امپریالیزم جهانی رشد موفقانه نموده میتواند». کاملاً آشکار است که این توصیه **لنین** امروز نیز کاملاً بجا بوده و اهمیت مبرم دارد.

موفقیت تمام جنبش های مترقی و انقلابی عصر ما منجمله پیروزی انقلاب ثور به اتحاد آنها با اولین کشور سوسیالیستی یعنی اتحاد شوروی و سایر کشورهای اردوگاه سوسیالیستی و همچنان به وفاداری خدشه ناپذیر آنها به توصیه های **لنین** و **لنینیزم** مربوط می باشد.

رفقا!

اکنون به مسایل مربوط به تاریخ وحدت حزب ما، امور تشکیلاتی و سازمانی و طرح تکمیل پلاتفورم ایدیولوژیک و سیاسی ما می پردازیم:

کمیته مرکزی با گرفتن درس عبرت سیاسی از بحران های داخلی حزب و انشعاب سال ۱۳۴۶ معتقد است که در مرحله دوم یا نوین انقلاب ثور حزب ما بصورت کل بحیث حزب طراز نوین تعریف شده می تواند و برای تحکیم بیشتر آن، بخاطر انجام دگرگونی های عمیق اجتماعی در کشور باید اصول تشکیلاتی و وحدت واقعی حزب طرح ریزی شود.

ح.د.خ.ا بعد از تأسیس در سال ۱۳۴۳ توانست به کار وسیع تشکیلاتی و ایدیولوژیک در سراسر کشور دست بزند. قشر های دموکراتیک و مترقی جامعه را بدور خود متحد ساخته و اولین ارگان نشراتی خود یعنی روزنامه **علنی خلق** را تأسیس نموده و **مرام حزب** را در آن نشر کند و برای نخستین بار در کشور مرز صریح و روشن میان خلق و دشمنان خلق بکشد.

البته نیروهای ارتجاعی امپریالیستی در برابر رشد جنبش انقلابی کشور آرام نه نشسته و از همان آغاز تلاش می ورزیدند تا عمال خود را به صفوف جنبش انقلابی و حزب ما نفوذ دهند. قراریکه به همه معلوم است بعد از مراجعت **امین** از امریکا اختلافات در داخل حزب تعمیق یافت و در نتیجه تاثیر ذهنیت گرائی هاییکه در رهبری حزب موجود بود در سال ۱۳۴۶ حزب به دو قسمت منشعب گردید. این انشعاب لطمه شدیدی به پروسه رشد و تکامل حزب و تمام جنبش وارد نمود.

لیکن هر دو قسمت حزب با وجود انشعاب به مبارزه سیاسی و اجتماعی خود ادامه میدادند، و باید گفت که در پلاتفورم ایدیولوژیک آنها عملاً هیچگونه تفاوتی وجود نداشت در این زمان حزب توانست دومین ارگان نشراتی خود یعنی جریده **علنی پرچم** را تأسیس نماید که نقش به سزای را در پخش افکار سوسیالیزم علمی و تربیه نسل جوان انقلابیون در افغانستان ایفا نمود.

تنها بعد از گذشت ده سال از انشعاب یعنی در سال ۱۳۵۶ حزب دموکراتیک خلق افغانستان در نتیجه کوشش های صادقانه و پیگیر رهبری و صفوف و با کمک دوستان و برادران بین المللی خود توانست وحدت خود را احیا نماید. ناگفته نباید گذاشت که تنها حزب واحد دموکراتیک خلق افغانستان قادر بود که انقلاب ثور را به پیروزی برساند.

بعد از احیای وحدت حزب تصمیم گرفته شد که فعالیت تفرقه افگانه و فرکسیونی **امین** مورد تحقیق قرار گیرد. در نتیجه این تحقیق بیروی سیاسی کمیته مرکزی حزب واحد دموکراتیک خلق افغانستان درست یکماه قبل از پیروزی انقلاب ثور تصمیم گرفت که **امین** مطابق به احکام اساسنامه حزب مجازات و از عضویت کمیته مرکزی اخراج گردد. اما در نتیجه فعالیت دست های نامرئی و کندی در کار کمیته مرکزی اجرای این تصمیم تا پیروزی انقلاب ثور به تعویق افتید.

امین فوراً بعد از پیروزی انقلاب ثور در هنگامیکه در سراسر کشور روحیه و فضای جنب و جوش انقلابی مستولی بود جرات نداشت که فعالیت تحریک آمیز خود را دنبال نماید. اما بزودی وی از **نور محمد تره کی** برای تأمین مقاصد شوم خود سو استفاده نمود که در نتیجه آن بسیاری از اعضای صادق حزب از مقام های رهبری کننده حزبی، دولتی و نظامی عزل و حتی به خیانت نسبت به امر انقلاب متهم شدند.

ح.د.خ.ا به مثابه حزب طراز نوین میتواند و باید در شرایط مشخص مبارزه خود در راه تأمین اهداف انقلاب ملی و دموکراتیک یک سلسله خصوصیات سیاسی و تشکیلاتی معین را داشته باشد. حزب طراز نوین چنان سازمان سیاسی ایست که فعالیت آن باید بر پایه اصول ذیل متکی باشد :

سوسیالیزم علمی، تیوری علمی، وحدت نظر و عمل در کادر اصول، انضباط آهنین حزبی، مرکزیت دموکراتیک، رهبری دسته جمعی، پروسه تحولات انقلابی و مسوولیت فردی هر عضو در تطبیق تصامیم حزب.

حزب ما کمال افتخار را دارد که از جمله چنین احزاب طراز نوین است.

در حال حاضر متاسفانه نه تنها به اعضای کمیته مرکزی بلکه به تمام اعضای حزب باید گفته شود که هیچکس نمی تواند از امر وحدت حزب بنا بر یک تعداد علل عینی و ذهنی کاملاً راضی باشد. باید با صراحت کامل گفته شود که بیروی سیاسی کمیته مرکزی ح.د.خ.ا دارای معلومات متعدد در باره روحیه فرکسیون، اعمال نادرست و بی انضباطی بسیاری از اعضای حزب از جمله هردو جناح سابق آن می باشد. از جانب دیگر کمیته مرکزی اطلاع ندارد که کسی از مشی اصولی سیاسی ما و یا از تطبیق پروگرام وظایف مرحله نوین انقلاب ثور تا بحال انتقاد کرده باشد. پاره کوچک اشتباهات در نشرات و تغیر و تبدیل عده ای از رفقا ازین یا آن مقام حزبی و دولتی هیچگاه دلیل اصولی برای برهم زدن وحدت حزب شده نمی تواند، جز آنکه آنها را بهانه تراشی و خرده گیری، خرده بورژوازی تلقی کنیم. در این زمینه البته باید کوچکترین اشتباهات تصحیح شود و هم میشود و باید تصحیح شود.

رفقای عزیز!

در اینجا باید از خود پرسیم که علت اصلی این امر چیست ؟

برای پاسخ به این سوال باید اول خود خوب فکر کنیم و برای درک درست و مقایسه آن، تاریخ مبارزه حزب بلشویک و پرولتاری روس نقش عظیم لنین را در تأسیس این حزب و مبارزه آنرا تحت رهبری لنین علیه جریان های رنگارنگ اپورتونیستی خرده بورژوازی بیاد بیاوریم.

تاریخ احزاب برادر بعد از پیروزی اتحاد شوروی در جنگ دوم جهانی مثالهای متعدد وحدت و متحد شدن احزاب را نشان میدهد. بطور مثال می توان از اتحاد احزاب در پولند، جمهوری دموکراتیک

آلمان و چکوسلواکیا نام برد. متحد شدن ارگانیک احزاب انقلابی در این کشورها و تشکیل احزاب مارکسیستی-لنینستی با کمک بزرگ انترناسیونالیستی دوستان شوروی امکان آنرا داد که تمام نیروهای انقلابی این کشورها به اسرع وقت متحد و همبسته شوند، اقتصاد و فرهنگ این کشورها رشد سریع نماید و جامعه سوسیالیستی اعمار گردد.

پس چرا حزب ما تا بحال نمی تواند خود را از بند یک سلسله اختلافات قابل ملاحظه و قابل حل داخل حزبی رها کند که به مبارزه ما در راه تأمین آرمان های انقلاب ثور ضرر جدی می رساند. جواب این سوال در شرایط اجتماعی و سیاسی در تشکیل و فعالیت حزب و عدم آگاهی ایدئولوژیک کافی بخش قابل ملاحظه از اعضای آن نهفته است. واقعاً این گناه ما نیست که در افغانستان در ربع اخیر قرن بیستم سیستم های سیاسی، اجتماعی و اقتصادی ماقبل سرمایه داری و حتی ماقبل فیودالی هنوز مسلط بوده و مردم آن در بند جهالت، بیسوادی، خرافات نوع قرون وسطی و بعضاً در بند مناسبات قبیلوی دست و پا می زنند. چطور حزب ما می توانست در شرایط فعالیت انقلابی غیر علنی در بین کارگران، دهقانان، نظامیان، محصلان، متعلمان، منورین و دیگر اقشار وطنپرست تمام اعضای خود را در این فرصت کم با ایدئولوژی طبقه کارگر مجهز ساخته و صفوف خود را مانند سازمانهای سیاسی طراز نوین معاصر آرایش دهد. باید انتظار داشت که در آینده نیز در حزب ما روند های اپورتونیستی خورده بورژوازی بروز نماید. روند های که همه خلق کشور ما و اردوی قهرمان ما در گذشته از آن خساره مند شده و قربانی های متعدد داده اند. باید گفته شود که اپورتونیسم خرده بورژوایی مخصوصاً در شرایط فعلی که تحت تاثیر شوونیست های تیپ ماوئیستی قرار دارد همیشه به چپ روی در سیاست و عمل، بی انضباطی، گروه بندی و فراکسیون بازی در حزب منجر می گردد. وظیفه مقدس حزب پر افتخار ما که از کمک بی شائبه حزب کمونست اتحاد شوروی برخوردار می باشد در آنست که مترقی ترین اشکال و تجارب انقلابی مربوط به سازماندهی توده ها را فرا گرفته، امور ایدئولوژیک را در سازمان های حزب تقویه نموده و طوری حرکت نماید که خود حزب در جریان تحقق وظایف انقلاب ملی و دموکراتیک پختگی سیاسی، تشکیلاتی و ایدئولوژیک را کسب کند. مهم ترین وظیفه در این قسمت مطالعه، بررسی و هضم تجربه عظیم و گرانبهای بلشویک های پر افتخار روسیه می باشد که برای اولین بار در جهان راه دگرگونی های انقلابی جامعه را باز نمودند.

حزب واقعیت زنده ایست که باید مطابق قوانین مبارزه طبقاتی رشد و تکامل نماید، آگاهی سیاسی اعضای خود را دائماً بالا ببرد آنها را با تیوری انقلابی مجهز سازد و با روحیه انضباط پولادین و وفاداری به آرمانهای انقلابی تربیه نماید از لحاظ این وظایف و اهداف بزرگ خود حزب پر افتخار و قهرمان ما

از نوع احزاب طراز نوین بوده و است، با داشتن چنین حزبی خلق ما بر تمام دشمنان داخلی و خارجی خود پیروز شده و درفش سرخ حزب ما بحیث سمبول خوشبختی مردم افغانستان در اهتزاز خواهد بود.

وظیفه رشد و بهبود همه جانبه فعالیت ایدئولوژیک حزب ایجاب می نماید که امور و جوانب تشکیلاتی آن نیز تقویه گردد. ما در پلینوم فعلی کمیته مرکزی مسوده اساسنامه حزب را ملاحظه خواهیم نمود که در آن وحدت و همبستگی تشکیلاتی صفوف حزب از بالا تا پایین تاکید و ماهیت انقلابی آن تعریف و توضیح شده است. بنابر این تعریف حزب دموکراتیک خلق افغانستان بحیث عالی ترین شکل سازمان طراز نوین طبقه کارگر و همه زحمتکشان، رهبری دولت را بدست گرفته است. مراعات جدی همه احکام اساسنامه حزب توسط تمام اعضای آن امکان خواهد داد تا امور تشکیلاتی تقویت گردیده و وحدت و یکپارچگی صفوف بیش از پیش محکم تر شود.

اگر مساله وحدت در سطح فعلی آن از لحاظ بعضی عوامل ذهنی یعنی عدم پختگی و بی انضباطی برخی از اعضای حزب ارزیابی گردد در این صورت اساسنامه جدید حزب بهترین پاسخگوی چنین مسایل خواهد بود، زیرا رعایت جدی آن توسط تمام اعضای حزب شرایط وحدت واقعی فکر و عمل را تامین خواهد نمود. **لنین** می آموخت که انضباط آگاهانه طبقاتی پایه وحدت را تشکیل میدهد و میگفت که انضباط حزب انقلابی بر پایه اصول ذیل متکی می باشد: **آگاهی گردان پیش آهنگ پرولتاریا، حوصله، از خود گذشتگی، شجاعت، وفاداری به امر انقلاب، ارتباط و پیوند نزدیک با توده های زحمتکش، مهارت در طرح استراتیژی و تاکتیک درست سیاسی.**

لنین می آموخت که **انضباط واقعی حزبی** تنها در جریان کار طولانی و تجربه عملی به دست می آید و برای تامین آن باید با **تیوری انقلابی** مجهز بود. این تیوری نه به شکل دگماتیک بلکه در تماس نزدیک با پراتیک جنبش واقعاً توده ای و واقعاً انقلابی بوجود می آید.

لنین در مسوده مقدماتی فیصله نامه دهمین کنگره حزب کمونست روسیه در مورد وحدت حزب پیشنهاد کرده بود که غرض تامین وحدت حزب و جلوگیری از فراقسیون بازی باید متخلفین از انضباط حزبی مورد مجازات شدید بشمول اخراج از حزب قرار داده شود و اعضای کمیته مرکزی در صورت چنین تخلف به اعضای علی البدل تنزیل مقام یافته و حتی از حزب اخراج شوند. این بود موضع **لنین** در برابر تخلف از انضباط در امر وحدت حزب. اکنون ما می بینیم که جنبش جهانی کمونیستی با به کار بست توصیه های **لنین** به چه موفقیت های چشم گیر نایل آمده است. ما از تجربه تاریخی خود از تجربه احزاب کمونیستی و کارگری و تجربه حزب بزرگ **لنین** کبیر خواهیم آموخت.

کمیته مرکزی ح.د.خ.ا برای مساله وحدت حزب اهمیت به سزای را قایل بوده و آنرا مهم ترین مساله سازمانی می شمارد. برای حل موفقانه این مساله بیروی سیاسی کمیته مرکزی «دستورالعمل های

جدی به تمام اعضای نظامی و ملکی ح.د.خ.ا.» را صادر نمود. این دستورالعمل‌ها وسیعاً مورد بحث و مطالعه سازمانهای حزبی قرار گرفت. علاوه بر آن مصوبه دیگری نیز مبنی بر منع فراکسیون بازی و گروه بندی در داخل حزب نشر شد. تمام سازمان‌ها، کمیته‌ها و همه اعضای اصلی و آزمایشی حزب باید رهنمودهای مندرجه این دو سند مهم حزبی را جداً مراعات نمایند. ولی وحدت حزب بدون انضباط جدی و آگاهانه اعضای آن تأمین شده نمی‌تواند، تجربه تاریخی نشان میدهد که احزاب طراز نوین که حزب ما از جمله آنهاست باید ممثل وحدت و یکپارچگی سازمانی و نمونه وحدت فکر و عمل، تیوری و پراتیک، انضباط جدی و مناسبات رفیقانه و برادرانه بین اعضای خود باشد. هرگونه مظهر عدم مسوولیت، بی انضباطی و عدم ابتکار و فعالیت و عدم اطاعت از مقامات رهبری حزب و تضامیم اصولی آن منجر به تضعیف حزب از لحاظ سازمانی گردیده، قابلیت رزمندگی آنرا تقلیل داده و بطور عینی به فعالیت دشمنان انقلاب مساعدت می‌کند.

در حال حاضر تمام تشکیلات سازمانی حزب تکمیل گردیده و برای اولین بار در حیات حزب، دستگاه حزب مرکب از کارکنان حرفوی ایجاد گردیده است که از همان آغاز فعالیت مفیدیت و لزوم خود را برای پیشبرد امور حزبی به اثبات رسانید. تا بحال شعبات مربوطه کمیته مرکزی، کمیته شهری و کمیته ولایتی کابل و بعضی کمیته‌های شهری، ناحیوی و ولسوالی دیگر نیز تشکیل و شروع بکار نموده اند برای کار در این شعبات رفقای حزبی مجرب که با توده‌های مردم روابط نزدیک داشته، با جرئت کامل علیه تفرقه اندازی در حزب مبارزه نموده و تمام نیروهای حزب را در راه تأمین آرمانهای انقلاب ثور متحد سازند، بحیث کارکنان حرفوی حزبی انتخاب می‌گردند.»

*** تایپ کامپیوتری از : ع . ق . فضلی**

**** تکیه‌ها از «اصالت» است.**

******* هر نوع استفاده و نقل قول از «گذارش رفیق ببرک کارمل در پلینوم دوم کمیته مرکزی ح.د.خ.ا.» صرف با ذکر منبع و نام سایت «اصالت» مجاز است!

www.esalat.org